

مقایسه‌ی تطبیقی تاریخ پیدایش بیمارستان در سرزمین‌های اسلامی و مغرب‌زمین

حسین درگاهی^{۱*}، آیت معروفی^۲

مقاله‌ی مروری

چکیده

از نظر تاریخی، پیدایش بیمارستان‌ها به سه دوره تقسیم‌بندی می‌شود: دوره‌ی ایران قبل از اسلام، دوران اسلامی و ایران بعد از اسلام، مغرب‌زمین و دوره‌ی ورود بیمارستان‌های اروپایی و آمریکایی به ایران. این مقاله با هدف مقایسه‌ی تاریخ پیدایش بیمارستان‌ها در دوره‌های مختلف تهیه و تدوین شده است. این پژوهش یک مقاله‌ی مروری و مقایسه‌ای است. برای جمع‌آوری اطلاعات از موتورهای جست‌وجوگر رایج و انتخاب مقالات مرتبط و کتب معتبر استفاده شد.

ایران پیش از اسلام دارای قوانین پزشکی خاص خود بود. در دوران اسلامی، بیمارستان به مفهوم مدرن آن به کار می‌رفت. پزشکان مسلمان اولین کسانی بودند که میان بیمارستان با معابد، نوانخانه‌ها، آسایشگاه‌های فقرا و جذامخانه‌ها تفاوت قائل شدند. ایرانیان در ایجاد و اداره‌ی بیمارستان‌ها، پیشرو ملت‌های متمدن هم عصر خود بودند. اما با شروع قرون وسطی، ساخت بیمارستان‌ها در مغرب‌زمین دچار تحول شد.

در طی قرون متوالی، در اغلب نقاط مغرب‌زمین، شیوه‌های درمانی در بیمارستان‌ها به جادو و طلسم ختم می‌شد، اما در قلمرو دولت‌های اسلامی بیمارستان‌های پیشرفته‌ای وجود داشت. این بیمارستان‌ها در مقایسه با بیمارستان‌های امروزی دارای مزیت‌هایی بودند. اگرچه در عصر حاضر، خدمات بیمارستان‌ها برای حل مشکلات جدی نظام سلامت برکسی پوشیده نیست، اما به دلیل ساختار نامناسب نظام سلامت و رویکردهای نادرست به مراقبت‌های پزشکی، این نوع خدمات در این مقطع تاریخی مورد انتقاد صاحب‌نظران و منتقدین قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تاریخ بیمارستان، عالم اسلامی، ایران، مغرب‌زمین

^۱ دانشیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی دانشکده‌ی پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: خیابان انقلاب، خیابان قدس، کوچه فر دانش، پلاک ۱۳، تلفن: ۰۸۶۵۶۰۸۲۱۸۸، Email:hdargahi@sina.tums.ac.ir

مقدمه

بیمارستان، درمانگاه، مریضخانه، دارالشفاء، دارالمرضاء، . . . واژه‌هایی هستند که در زبان فارسی و عربی برای استناد به مکانی که در آن بیماران تحت درمان و مراقبت قرار می‌گیرند، به کار می‌رود. بیمارستان واژه‌ای فارسی است که کوتاه شده‌ی آن در عربی، مارستان است. این کلمه نامی است مرکب از «بیمار+ستان (ادات مکان)» و آن «خانه و عمارتی که سلاطین در بعضی شهرها بسازند و بیماران را آنجا طبیب دیوانی معالجت نمایند و آن را بیمارسان یا مارستان نیز می‌گویند» یا «عمارت و خانه‌ای که جهت بیماران بنا شده و در آنجا بیماران بی بضاعت و بی کس را پذیرفته مجاناً و بلاعوض آنان را دوا و غذا می‌دهند و پرستاری می‌کنند» (۱).

عباراتی چون infirmary، clinic، hospital، hospice، در زبان انگلیسی به این مکان اطلاق می‌گردد. واژه‌ی hospital در زبان انگلیسی از واژه‌ی لاتین hospes (میزبان) ریشه دارد که این واژه خود ریشه‌ی کلمات انگلیسی مثل hostel، hotel (شبانه‌روزی)، hospitality (میهمان‌نوازی) است. واژه‌ی بیمارستان مشابه کلمه‌ی سانسکریت اسپیتال (ispital) و کلمه‌ی آلمانی اسپیتال (spital) است (۲). ابن مطران^۱ در بستان الاطباء می‌گوید: «نام بیمارستان فارسی است، زیرا بیمار به مریضان گفته می‌شود و ستان به معنی جای است» (۳).

در برخی از منابع و مأخذ، داروخانه و بیت الادویه نیز گاهاً به جای بیمارستان یا درمانگاه به کار رفته است. بیمارستان‌ها از آغاز، محل پذیرش بیماران داخلی، جراحی، چشم و روانی بودند تا این‌که بر اثر گذشت زمان و نا به سامان شدن کارها و بی‌توجهی، بیمارستان‌ها در بسیاری از نقاط به ویرانه‌هایی تبدیل شدند و تنها در آن‌ها دیوانگان باقی ماندند. از این‌رو، از کلمه‌ی مارستان که کوتاه شده بیمارستان است گاهی مفهوم دیوانه خانه به ذهن می‌آمد (۴).

^۱ متوفی ۵۸۷هـ.ق^۲ متوفی ۱۵۰هـ.ق^۳ متوفی ۳۱۰هـ.ق

شیخ فریدالدین عطار در تذکره الاولیاء، از قول فضیل بن عیاض گوید: «گفت دنیا بیمارستان است و خلق در و چون دیوانگان، و دیوانگان در بیمارستان در غل و قید باشند» (۵). از نظر تاریخی، پیدایش بیمارستان‌ها را می‌توان به سه دوره تقسیم‌بندی کرد که عبارتند از: دوره‌ی اول شامل پیدایش بیمارستان در ایران قبل از اسلام، دوره‌ی دوم شامل بیمارستان‌های دنیای اسلام و ایران بعد از اسلام، و دوره‌ی سوم یعنی پیدایش بیمارستان در دیگر نقاط جهان به‌ویژه مغرب‌زمین و هم‌زمان ورود بیمارستان‌های اروپایی و آمریکایی به کشور.

دوره‌ی اول: پیدایش بیمارستان در ایران قبل از اسلام

نخستین بیمارستانی که در دوران ساسانیان برپا شد بیمارستان جندی شاپور بود که هسته‌ی اصلی دانشگاه و دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور را تشکیل می‌داد (۶). بیمارستان جندی شاپور مکان مناسبی برای تعلیمات پزشکی و درمان بیماران به شمار می‌رفت و از همین بیمارستان بود که اطباء طراز اول آن در دوران خلفای عباسی به بغداد آمدند و دانشکده‌ی پزشکی بغداد را پایه‌گذاری کردند. در دوران ساسانیان، علاوه بر بیمارستان جندی شاپور، بیمارستان‌های عمومی و خیریه‌ی دیگری در شهرهای ایران وجود داشته است. اگرچه ساخت بیمارستان‌های ری و زرنگ سیستان و مرو نیز منسوب به این دوران است (۷).

دوره‌ی دوم: بیمارستان‌های دوران اسلام و ایران بعد از

اسلام

در عالم اسلام، نخستین بیمارستان در سال پنجم هجری قمری به دستور حضرت محمد (ص) احداث شد. بدین ترتیب که بنا به نوشته‌ی محمدبن اسحاق^۲ و محمدبن جریر طبری^۳، در جریان جنگ خندق، زنی جراح از قبیله‌ی أسلم به نام «رُقیده» در راه خدا و به دستور رسول اکرم (ص) چادری

برخی از افراد سالم می‌گفتند تمایل دارند بیمار شوند تا از غذاهای لذیذ بیمارستان بهره‌ور گردند (۱۳).

خواجه نظام الملک، بیمارستان‌هایی را در نیشابور و بغداد بنا نهاد. قسمت عمده‌ای از مخارج این مدرسه‌ها و مؤسسات وابسته به آن از ثروت شخصی نظام الملک و پاره‌ای از آن از درآمدهای کشوری تأمین می‌شد (۱۴).

محمد بن ارسلا‌ن‌شاه، هفتمین پادشاه قاوردی کرمان^۵ در بردسیر، بم و جیرفت، مدارس، مساجد و کاروانسراهایی ساخت و در ضمن در هر یک از این شهرها بیمارستانی نیز تأسیس کرد. ابن القفطی در تاریخ الحکماء در شرح حال ابوالحکم مغربی از بیمارستان سپاه سلطان در این دوران یاد می‌کند که یک بیمارستان سیار بوده و وسایل آن را چهل شتر حمل می‌کرده است (۱۶، ۱۵).

در نیمه‌ی اول سده‌ی هفتم هجری قمری در دوران اتابکان سلغری فارس، چند بیمارستان در شیراز احداث شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها منسوب به اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد زنگی است که به بیمارستان مظفری نیز معروف است (۱۷، ۱۸). قبل از سال ۶۷۷ هـ ق در محله‌ی لب آب یا دروازه‌ی سلم که بیمارستان مظفری در آنجا قرار داشت، بیمارستانی نیز به دستور شاه شجاع آل مظفر ساخته شد (۲۰، ۱۹).

در دوران ایلخانان مغول، وزرای ایرانی مخصوصاً خواجه رشید الدین فضل الله، طبیب همدانی، بیمارستان‌های متعدد و مجهزی تأسیس کردند. به نوشته‌ی خواجه رشید الدین فضل الله در جوامع التواریخ، به دستور غازان خان در شب غازان، بیمارستانی ساخته شد که از سرنوشت این بیمارستان اطلاعی در دست نیست، ولی احتمالاً تا پایان دوران مغولان فعال بوده است. هم‌چنین او شهرک عظیم دانشگاهی - اداری ربع رشیدی را در تبریز بنا نمود. در این شهر، بیمارستان (دارالشفای) بزرگی وجود داشت که در آن علاوه بر درمان بیماران، به آموزش پزشکی و تربیت پزشک متخصص

در مسجد مدینه برافراشته بود و در آن به درمان مجروحان و در صورت لزوم بستری کردن بیماران مسلمان می‌پرداخت. ولید بن عبدالملک^۱ نخستین کسی بود که در عالم اسلام به بنای بیمارستان ثابت مبادرت ورزید. احمد بن ابی یعقوب اصفهانی^۲ در تاریخ یعقوبی، ایجاد بیمارستان و مهمانسرا، جذام‌خانه و خانه‌ی از کارافتادگان را به ولید بن عبدالملک نسبت می‌دهد (۸). در سده‌ی سوم هجری قمری در زمان محمد بن زکریای رازی، بیمارستان ری در شهر ری ساخته شد که وی مدتی رئیس آن بود (۹).

بیمارستان‌های پایتخت خلفای اسلامی در دوران عباسیان به‌وسیله‌ی پزشکان ایرانی دانشگاه جندی شاپور تأسیس شدند و خاندان‌های ایرانی در ایجاد آن تأثیر اساسی داشتند (۱۰). امیر عضدالدوله دیلمی در سال ۳۶۸ هـ ق بیمارستان عضدی را در غرب بغداد در نزدیکی پل دجله بنا نهاد. بنای بیمارستان سه سال به طول انجامید و سپس به دستور امیر به تجهیز آن و انتخاب طبیبان پرداختند. سرانجام، این بیمارستان در صفر ۳۷۲ هـ ق یعنی چند ماه پیش از وفات عضدالدوله^۳ گشایش یافت (۱۱).

در شهر قاهره، مهم‌ترین بیمارستان را الملک المنصور قلاوون، از پادشاهان مملوکی مصر، در سال ۶۸۳ هـ ق بنا نمود. برای ساختن این بیمارستان، کارگران و هنرمندان بسیاری فعالیت داشتند و سلطان نیز خود در کار بنایی شرکت می‌کرد (۱۲).

بیمارستان نوری دمشق را نورالدین محمود بن زنگی آق سنقر^۴ سلطان شام و دیار جزیره و مصر در سال ۵۴۹ هـ ق احداث کرد. بیمارستان نوری دمشق، محل آموزش دانشجویان پزشکی بود و تالارهای بزرگ و کتابخانه‌ی معتبری داشت. وضعیت غذا و رسیدگی به بیماران، به حدی خوب بود که

^۱ حکومت ۹۶ - ۸۶ هـ ق

^۲ متوفی ۲۹۲ هـ ق

^۳ رمضان ۳۷۲ هـ ق

^۴ متوفی ۵۶۹ هـ ق

^۵ ۵۳۷-۵۵۱ هـ ق

بیماری‌های داخلی و عمومی، چشم، جراحی و شکسته‌بندی نیز می‌پرداختند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله در شهر همدان، زادگاه خویش، بیمارستان و داروخانه‌ی مجهزی بنا کرده بود. در شهر زنجان نیز بیمارستانی موسوم به دارالمرضاء سلطانیه احداث کرد که نام آن را در وصیت‌نامه‌ی خویش نگاشته است (۲۱).

تیمور لنگ که بسیاری از نقاط ایران را ویران کرد ولی سمرقند را آباد نمود، به تأسیس بیمارستان در شهرهای قلمرو خویش که با او در ستیز نبودند، علاقه داشت (۲۲). در اردوی تیمور، چهار فوج شمشیردار تندرو، تعیین شده بود که به درمان و پرستاری مجروحین پرداخته، مردگان را دفن کرده و زیان‌ها را جبران می‌کردند. این گروه‌های امدادگر و تجهیزات آنان را می‌توان به‌عنوان بیمارستان سیار به‌حساب آورد که همراه لشکریان حرکت می‌کردند. مسلماً در این‌گونه بیمارستان‌ها پزشکان و جراحانی نیز فعالیت داشتند (۲۳).

از دوران صفویه تا اواسط دوران قاجاریه اطلاعات اندکی در مورد تأسیس بیمارستان وجود دارد. اما در دوران ناصرالدین شاه قاجار^۱ چند بیمارستان کوچک در برخی شهرها ایجاد شده بود. سرانجام در این دوران هم‌زمان با نفوذ پزشکی جدید در ایران و تأسیس مدرسه‌ی پزشکی دارالفنون بیمارستان‌های نسبتاً معتبری به سبک نوین در تهران و برخی از شهرهای دیگر ایران تأسیس شد (۲۴).

«سیریل الگود» نخستین بیمارستان ایران را به سبک اروپایی، مریضخانه‌ی دولتی می‌داند و تاریخ تأسیس آن را سال ۱۳۰۰/م ۱۲۸۴هـ ق ذکر می‌کند (۱۵). در سال ۱۳۰۰ هـ ق، مریضخانه‌ی دولتی با شش پزشک، یک داروساز و بیست و پنج نفر اعضای اداری و خدمه فعالیت داشت (۲۵). مریضخانه‌ی دولتی همین بیمارستان سینای امروزی است که در خیابان امام خمینی (سپه سابق) قرار دارد. این بیمارستان هم اکنون یکی از مراکز اصلی آموزش پزشکی عمومی و تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تهران است (۱۵).

از قول رافائل^۲ گفته می‌شود در شهر قم که از دیرباز، از شهرهای مهم منطقه‌ی جبال ایران و یکی از مراکز اصلی شیعیان این کشور بوده است، در دوران صفویه لاقلاً یک بیمارستان در این شهر فعالیت داشته است (۱۰).

رضاقلی خان هدایت از جمله کارهای برجسته‌ی فتحعلی شاه قاجار را بنای مدرسه‌ی دارالشفای قم ذکر کرده است (۲۶). علامه‌ی دهخدا می‌گوید، مدرسه‌ی دارالشفای قلاً بیمارستان آستانه‌ی قم بود. دارالشفای مدرسه‌ی دینی بزرگی در شهر قم است که سابقاً مریضخانه‌ی آستانه بود (۱).

بیمارستان سهامیه، اولین بیمارستان نوین شهر قم است که به همت مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در آن شهر تأسیس شد. آیت الله حائری مؤسسات نیکوکاری متعددی را در شهر قم بنا کرد که از آن جمله می‌توان بیمارستان نوین آن شهر را ذکر نمود (۲۷).

دوره‌ی سوم: پیدایش بیمارستان در دیگر نقاط جهان به‌ویژه مغرب‌زمین و ورود بیمارستان اروپایی و آمریکایی به کشور

تاریخ پیدایش بیمارستان در سایر نقاط جهان به‌ویژه در مغرب‌زمین را می‌توان به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مربوط کرد. در این دوران معابد زحل، و بعدها معابد آسلیپوس در آسیای صغیر، به‌عنوان مراکز شفادهی شناخته شدند. بیمارستان‌های برهمایی در سریلانکا از سال ۴۳۱ ق.م تأسیس شده بودند، و شاه آسوکا زنجیره‌ای از بیمارستان‌ها را در هندوستان، حدود ۲۳۰ سال قبل از میلاد دایر کرد. حدود ۱۰۰ سال قبل از میلاد، رومی‌ها بیمارستان‌هایی را برای درمان سربازان بیمار و زخمی‌های خود دایر کردند. هندوان از نخستین ملت‌هایی بودند که به ساخت بیمارستان مبادرت ورزیدند. گفته می‌شود در دوران بودا، نزدیک به پانصد سال قبل از میلاد، بیمارستان‌های زیادی در هند ساخته شد. بر طبق ماهاوا سما، تاریخچه‌ی باستانی پادشاهی سین هالی‌ها که در قرن ۶

^۱ حکومت ۱۳۱۳-۱۲۶۴ هـ ق

^۲ متوفی ۱۱۰۸ هـ ق

بر همین مبنای، در فرانسه بیمارستان‌ها را هتل دیو یا میهمانخانه‌ی خدا می‌نامیدند. تا قبل از قرن هیجده میلادی هیچ نوع بیمارستان مدرن در اروپا وجود نداشت، تنها بیمارستان دائمی در سال ۱۵۲۴ میلادی در شهر مکزیکوسیتی توسط «کشیش نازارس» ساخته شد که هنوز هم در این شهر دایر است. از قرن هیجدهم میلادی به بعد، تاریخ پیدایش بیمارستان در مغرب‌زمین با ساخت بیمارستان‌های مدرن روبه‌رو شد. در همین راستا، بیمارستان صلیبی شکل بزرگ، توسط «جان هاوارد» در اواخر این قرن به‌عنوان فرم مناسب بیمارستان‌های مدرن تأسیس گردید. بیمارستان «لاریوسییر» که در سال ۱۸۵۴ در فرانسه ساخته شد نیز نمونه‌ای از بیمارستان‌های مدرن با طراحی «عمارت کلاه فرنگی» بود. در طول یک‌صد سال بعد، بیمارستان «جان هاپکینز» در ایالت بالتیمور آمریکا و بیمارستان سنت توماس در لندن براساس این مدل ساخته شد. اولین بیمارستان‌های ایالات متحده‌ی آمریکا در اوایل قرن ۱۸ میلادی در شهرهای بندری این کشور بنا شدند. بیمارستان پنسیلوانیا در ایالت فیلادلفیا در سال ۱۷۵۱ تأسیس شد که به‌عنوان قدیمی‌ترین بیمارستان خیریه در ایالات متحده شناخته می‌شود. نخستین بیمارستان روانی در کشور آمریکا در سال ۱۷۷۲ در ویلیامبرگ ویرجینیا ساخته شد که به‌نام بیمارستان شرقی معروف بود. «ویلیام پن» اولین بیمارستان نوانخانه را در جوامع آمریکایی در سال ۱۷۱۳ در فیلادلفیا بنا نهاد. در سال ۱۶۳۰، یک پزشک فرانسوی، باعث به‌وجود آمدن مراقبت‌های اورژانس و سرپایی شد. در سال ۱۶۴۱ داروخانه‌های بیمارستانی نیز شکل گرفتند. در اواخر قرن ۱۹ میلادی بخش‌های سرپایی و کلینیک‌های بیمارستانی توسعه پیدا کرد (۳۲-۲۹).

با توسعه و ساخت بیمارستان در اروپا و برقراری ارتباط سیاسی ایران با دولت‌های بزرگ آن زمان در اروپا و حتی آمریکا، بیمارستان‌های مختلفی توسط این کشورها به منظور درمان ماموران آن‌ها و در چارچوب فعالیت گروه‌های تبلیغ‌کننده‌ی مسیحی در نقاط مختلف ایران ساخته شد. تاریخ

میلادی نوشته شده، در زمان شاه پاندوکابهايا (۴ ق.م) خانه‌های بستری و بیمارستان‌هایی وجود داشت که در بخش‌های مختلف کشور ساخته شده بودند. بیمارستان میهنیتیل، شاید قدیمی‌ترین بیمارستان جهان باشد. خرابه‌های بیمارستان‌های باستانی در سریلانکا هنوز در میهنیتیل، آنورادهایورا و مدیریگیری وجود دارند. نهادهای خاص مراقبت از بیماران در سال‌های اولیه میلادی در هندوستان ظاهر گشتند. گفته می‌شود شاه آسوکا حداقل هیجده بیمارستان مرتبط با هم در سال ۲۳۰ ق. م ساخته بود (۲۸).

پس از تولد عیسی مسیح (ع) و به‌دلیل مسافرت افراد بسیاری که برای زیارت اماکن مقدسه از اروپا راهی خاورمیانه امروزی شدند و معتقد بودند که در مسیر خود از جانب شهروندان مهمان‌نواز کمک دریافت خواهند کرد، شمار بسیاری از بیمارستان‌ها به‌طور خاص در مکان‌های دورافتاده تأسیس شدند. ساخت چند بیمارستان بزرگ را می‌توان به دوره‌ی پس از شورای نیکائی در سال ۳۲۵ میلادی نسبت داد. در این زمان اسقف‌ها را برای تأسیس بیمارستان در شهرهای دارای کلیسای بزرگ و جامع، آموزش می‌دادند. شاید قدیمی‌ترین بیمارستان جراحی در دنیای غرب امروزی «هتل دیو^۱» در پاریس باشد که در سال ۶۰۰ میلادی توسط «سنت لاندری^۲»، اسقف پاریس تأسیس شد. وجود جنگ‌های صلیبی انگیزه‌ای برای ایجاد بیمارستان‌ها در مسیر سرزمین بیت المقدس فراهم کرد، اما این جنگ‌ها باعث شد تا بیماری جذام در بریتانیا و سایر بخش‌های اروپای غربی به‌صورت اپیدمی شایع شده و در نتیجه نزدیک به سال ۱۱۰۰ میلادی تعداد ۲۰۰ بیمارستان که «جذام‌خانه» نامیده می‌شد، تأسیس شدند. در اغلب کشورهای اروپایی، در قرون وسطی، بیمارستان‌ها تحت تسلط کلیسا درآمد و از آن زمان، پیدایش بیمارستان‌ها تحولات زیادی را پشت سر گذارد. در این کشورها، بیمارستان‌های اولیه مکان‌هایی برای نگهداری و حمایت از فقرا، معلولین و زائرین بودند که در جوار کلیسا قرار داشتند.

^۱ DieuHotel

^۲ Saint Landry

و دستور داد تا در استراباد نیز به همان ترتیب بیمارستانی بسازند، کاری که عملی نشد. پس از انقلاب کمونیستی در اکتبر ۱۹۱۷، چندین بیمارستان از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی در شهرهای ایران ساخته شد. بیمارستان شوروی در رشت تا حدود سی سال پیش فعالیت داشت. بیمارستان شوروی در تهران که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رونقی نداشت و اکنون به بیمارستان میرزا کوچک‌خان تبدیل شده است. در سال ۱۸۸۰م / ۱۲۹۸هـ ق نخستین هیأت پزشکی آمریکا به نام هیأت پزشکان بدون مرز آمریکا به سرپرستی «دکتر کوچران» فعالیت بیمارستان‌سازی خود را در ارومیه آغاز نمود و دو سال بعد بیمارستان آمریکایی این شهر آماده شد (۱۵).

در جریان جنگ جهانی اول^۱ آمریکاییان بیمارستان‌های متعددی را در شهرهای مختلف ایران تأسیس کردند؛ از جمله بیمارستان آمریکایی رشت که پس از شهریور ۱۳۲۰ سال‌ها فعال بود (۳۳). بیمارستان آمریکایی تهران، ابتدا در خیابان ژاله (شهدا) در حوالی آب سردار تأسیس و بعداً به بلوار کشاورز (آب کرج) منتقل شد و تا چندی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با هیأتی از پزشکان که بیش‌تر آنان ایرانی بودند، به فعالیت خود ادامه می‌داد و پس از پیروزی انقلاب به بیمارستان ساسان تبدیل شد (۳۴).

روش کار

این پژوهش یک مقاله‌ی مروری - مقایسه‌ای است که به مقایسه‌ی تاریخ پیدایش بیمارستان‌ها در دوران قبل و بعد از اسلام در سرزمین‌های اسلامی و ایران و مغرب‌زمین می‌پردازد. برای جمع‌آوری اطلاعات از کتب معتبر فارسی، عربی و انگلیسی در زمینه‌ی تاریخ طب و تاریخ بیمارستان در اسلام، ایران، اروپا و آمریکا و موتورهای جست‌وجوگر Google و Ovid و Pubmed با استفاده از کلیدواژه‌های history of hospitals, history of medicine و comparative study hospitals of Europe و history of hospitals of Europe

تأسیس اولین بیمارستان که با ورود اروپاییان به ایران توسط پرتغالیان در جزیره‌ی هرمز بنا شد، حدوداً مربوط به سال ۱۵۰۸م / ۹۱۴هـ ق است. این بیمارستان تا سال ۱۰۳۱هـ ق که ایرانیان این جزیره را تصرف کردند، فعالیت داشت. شرکت هند شرقی در بندرعباس، بیمارستان کوچکی در این بندر تأسیس کرده بود. به نظر می‌رسد، تاریخ ایجاد این بیمارستان حدود سال ۱۰۳۲هـ ق باشد. این بیمارستان نزدیک به دو قرن فعالیت داشت و بیمارستان پادشاهی نامیده می‌شد (۳۳). پس از تعطیلی بیمارستان بندرعباس، بیمارستان انگلیسی بوشهر در سال ۱۱۷۷هـ ق تأسیس و «مینوارینگ» به ریاست آن انتخاب شد. در سال ۱۷۷۰ میلادی / ۱۱۹۴هـ ق این بیمارستان تعطیل شد. چندی بعد، این بیمارستان که از دایره‌ی فعالیت کمپانی هند شرقی خارج شده بود به کمک تاجران محلی، مجدداً احیاء و ساختمان جدیدی برای آن ساخته شد. این بیمارستان به کنسولگری انگلیس وابسته بود (۱۵).

یک سال بعد، به واسطه‌ی اشکالاتی که پیش آمد، اداره این بیمارستان به ایرانیان واگذار شد، ولی انگلیسی‌ها پیش از تحویل بیمارستان، اثاثیه‌ی آن را به یغما بردند و در محوطه‌ی کنسولگری خویش بیمارستان کوچک دیگری تأسیس کردند. هیأت‌های مذهبی انگلیسی نیز برای تبلیغ دین مسیحیت چندین بیمارستان در ایران تأسیس کردند. «دکترهورنل» از پزشکان مذهبی اسکاتلند در سال ۱۸۷۹م / ۱۲۹۷هـ ق به ایران آمد و به اتفاق «کشیش بروس» که از قبل در این کشور اقامت داشت، اولین بیمارستان سازمان پزشکان بدون مرز را در جلفای اصفهان تأسیس کرد. در سال ۱۸۹۷م / ۱۳۱۵هـ ق اولین بیمارستان زنان در ایران به ریاست خانم دکتر «املینا استوارت» در اصفهان گشایش یافت. بیمارستان یزد، در سال ۱۸۹۸م / ۱۳۱۶هـ ق، بیمارستان کرمان در سال ۱۹۰۱م / ۱۳۱۹هـ ق و بیمارستان شیراز در سال ۱۹۲۳م / ۱۳۴۲هـ ق توسط هیأت انگلیسی احداث شد. در سال ۱۸۴۸م / ۱۲۶۵هـ ق روس‌ها در جزیره‌ی آشوراده، نزدیک بندر ترکمن، بیمارستانی با چهارده تخت خواب تأسیس کردند. ناصرالدین شاه این کار را پسندید

^۱ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸

این بیمارستان‌ها، بیمارستان الولید بن عبدالملک^۱ است که او در سال ۸۶ هجری^۲ بنا کرد. در این بیمارستان، تمام درمان‌ها و مراقبت‌ها رایگان بود و چندین پزشک در آنجا استخدام شده بودند (۳۹-۳۵).

بین قرن‌های هشتم و دوازدهم میلادی، بیمارستان‌های مسلمانان به استاندارد بالایی از مراقبت دست یافته بودند. بیمارستان‌هایی که در قرن‌های نهم و دهم در بغداد ساخته شد تا بیست و پنج پزشک را استخدام کرده بودند و بخش‌های جداگانه‌ای برای معالجه موارد مختلف بیماری داشتند. بیمارستان و مسجد القیروان، در تونس، به دستور الغیبید در سال ۸۳۰ م ساخته شد که طراحی ساده‌ای داشت، اما به سالن‌های انتظار، یک مسجد، و یک حمام ویژه مجهز شده بود. این بیمارستان، پرستاران زن را استخدام کرده بود، از جمله پرستارانی از سودان، که نشان از پیشرفت عظیمی بود. علاوه بر پزشکان ذکر شده، «فقه‌البدن» نیز که نوعی گروه درمانگر مذهبی از عالمان دینی بودند و خدمات درمانی آن‌ها شامل حجامت، جا انداختن استخوان، و داغ گذاشتن بر زخم‌ها بود بر سر بیماران حاضر می‌شدند. در دوران حکومت عثمانی، زمانی که بیمارستان‌ها از یکدیگر متمایز شده بودند، سلطان با یزید دوم یک بیمارستان روانی و یک مدرسه‌ی طبی در «ادیرن» بنا کرد، و تعدادی بیمارستان‌های اولیه در ترکیه نیز توسط او ساخته شد. با وجود معابد یونانی در روی آوردن به خدایان شفادهنده، روحانیانی که در این بیمارستان‌ها کار می‌کردند، متدولوژی‌های علمی را به کار می‌گرفتند که بسیار جلوتر از معاصران خود در درمان بیمارانشان بود (۴۰).

اولین بیمارستان عمومی رایگان در بغداد در دوران خلافت «هارون الرشید» گشایش یافت. در زمان مأمون، پزشکان و جراحانی انتخاب و برگزیده شدند تا در بیمارستان‌ها برای دانشجویان پزشکی سخنرانی کنند و به افرادی که برای کار عملی شایسته می‌یافتند، گواهینامه اعطا

اولیه به دست آمد. از بین مقالات به دست آمده حاصل از جست‌وجوی اولیه، مقالاتی که ارتباط بیشتری با موضوع داشتند، انتخاب شدند. اطلاعات جمع‌آوری شده طبقه‌بندی و به صورت مروری ارائه گردید.

نتایج

ایران قبل از اسلام

آریایی‌های قدیم دارای قوانین پزشکی و بهداشتی خاصی بودند، از آن جمله، انسان‌هایی که بیماری سختی داشته و نیاز به معالجه داشتند، خیلی سریع از انسان‌های سالم دور شده و به بیمارستان‌ها انتقال داده می‌شدند. در کتیبه‌های مصری، داریوش، پادشاه هخامنشی را به سبب ایجاد بیمارستان‌ها، «نیکوکار بزرگ» لقب دادند. در زمان ساسانیان، دانشگاه جندی شاپور پایه‌گذاری گردید که به جرأت می‌توان گفت اولین بیمارستان آموزشی تحت همین نام که در آن دانشجویان، تحت سرپرستی پزشکان، به عنوان بخشی از آموزش خود، حق حضور بر بالین بیماران را داشتند، وابسته به این دانشگاه بود (۳۱).

دوران اسلامی و ایران بعد از اسلام

پس از ظهور اسلام و در نتیجه‌ی اهمیتی که این دین برای بهداشت و پزشکی قائل است، پیدایش و عملکرد بیمارستان‌ها وارد دوران شکوفایی خود شد. در دوران اسلامی، کلمه‌ی «بیمارستان» به مفهوم مدرن آن به کار می‌رفت، یعنی مؤسسه‌ای که به بیماران در آن خوش‌آمد گفته شده و توسط کارکنان لایق مراقبت می‌شدند. به این صورت، پزشکان مسلمان اولین کسانی بودند که میان بیمارستان و گونه‌های دیگر مانند معابد شفادهنده، معابد خواب، آسایشگاه‌ها، نوانخانه‌ها و جذام‌خانه‌ها تمایز قائل شدند، که همه‌ی آن‌ها در این دوران بیشتر به جدا کردن بیماران و دیوانگان از جامعه نظر داشتند تا این که به آن‌ها هر گونه راهی برای درمان حقیقی ارائه نمایند. اولین بیمارستان‌های عمومی، بیمارستان‌های روانی و دانشکده‌های پزشکی نیز توسط پزشکان مسلمان معرفی شدند. نمونه‌ای از

^۱ حکومت از ۷۱۵ - ۷۰۵ م

^۲ ۷۰۷ - ۷۰۶ م

می‌کردند (۳۸).

«پلات» و «درموند» در کتاب خویش به نام «جهان در گذر قرون» می‌نویسند:

«در قرون وسطی، به هنگامی که پاریس و لندن را غباری از ناپاکی و نکبت در بر گرفته بود، چهره‌ی شهرهای قرطبه و بغداد در دوران اسلامی از شکوفایی و عظمت می‌درخشید» (۴۱). «حکیم ناصر خسرو» به هنگام دیدار از شهر بیت المقدس می‌نویسد: «و بیت المقدس را بیمارستانی سبک است و وقف بسیار دارد و خلق را بسیار دارو و شربت دهند و طبیبان باشند که از وقف، مرسوم ستانند».

در این دوران بیمارستان عضدی تا مدت‌ها یکی از مراکز بزرگ درمان بیماران و تدریس علم طب بود و شعب مربوط به داخلی، جراحی، چشم‌پزشکی و شکسته‌بندی (ارتوپدی) در آن‌جا وجود داشت. به‌نظر می‌رسد در قلمرو ممالک اسلامی، مسلمانان از جمله ایرانیان اولین بار بیمارستان‌های منقول یا سیار را به مناسبت جنگ‌ها یا بروز درگیری به‌وجود آوردند و این در حالی بود که بیمارستان‌های ثابت نیز در شهرهای بزرگ آن دوران مانند بغداد، موصل و دمشق تأسیس شده بودند. در این بیمارستان‌ها بخش زنان و مردان از هم جدا بود و هر یک از این بخش‌ها به چند قسمت کوچک‌تر تقسیم می‌شدند که به معاینات عمومی اختصاص داشتند. رئیس بیمارستان را «ساعور» می‌گفتند که بر تمام اطباء ریاست داشت و از همه اطباء افضل و اعلم بود. غیر از «ساعور» شخصی به نام «ناظر» نیز وجود داشت که عمدتاً از ارباب قلم انتخاب می‌گردید و مورد اعتماد سلطان، خلیفه، وزیر یا بانی بیمارستان بود و با توجه به اختیارات مالی و اداری که داشت، در انتخاب این فرد نهایت دقت به‌عمل می‌آمد. پس از دوران اوج تمدن اسلامی، به‌تدریج دانش پزشکی خدمات بیمارستانی نیز به همراه سایر علوم و فنون رو به افول گذارد (۴۲).

بیمارستان‌های ایران و برخی دیگر از مناطق جهان اسلام، در دوره‌های اعتدالی خود، جایگاه درمان، پژوهش و آموزش

پزشکی بودند. جایگاه بیمارستان‌ها در خوش آب و هواترین قسمت‌های شهر قرار داشت و به سبزه و درخت آراسته بود. محمد بن زکریای رازی برای تعیین محل بیمارستان بغداد دستور داد تا قطعاتی از گوشت را در ناحیه‌های مختلف شهر بپاویزند و آن‌جایی که گوشت دیرتر فاسد شده بود را به‌عنوان محل بیمارستان برگزید (۷).

در بیمارستان‌های ایران آن زمان از درمان یهودیان، مسیحیان و پیروان دیگر ادیان دریغ نمی‌شد. درآمد بیمارستان نیز از موقوفاتی تأمین می‌شد که همراه با بیمارستان‌ها ایجاد شده بود (۴۴، ۴۳). بیمارستان، تحت نظر سلطان یا حاکم وقت به‌وسیله‌ی یک مدیر یا متولی اداره می‌شد. رئیس بیمارستان معمولاً طبیب بود و گاهی معاونینی هم داشت.

پزشکان ممکن بود مسلمان، مسیحی یا یهودی باشند. اینان می‌بایست بیماران بستری را همه روزه عیادت کنند و در مواقع لزوم بین خود درباره‌ی بیماران مبتلا به امراض سخت یا مزمن به بحث بپردازند و یا به‌عبارتی مشاوره نمایند. در مورد بیماران سرپایی، بیمارستان‌ها همه روزه و گاهی هفته‌ای دو روز فعالیت داشتند. پزشکان، حقوق سالیانه‌ی مشخص و جیره‌ای از غلات و روغن دریافت می‌کردند (۴۵).

بیمارستان‌ها علاوه بر آن‌که محل آموزش پزشکی بودند، نقش فرهنگی وسیعی را ایفا کرده و در آن‌ها کتابخانه‌ای حاوی کتاب‌های شناخته‌شده‌ی پزشکی یافت می‌شد. بیمارستان‌ها معمولاً جنبه‌ی مذهبی داشته و در میان کارکنان آن‌ها یک نفر، پیش نماز یا قاری قرآن بود و به بیماران باسواد، یک جلد کلام الله مجید داده می‌شد. در مجاورت بیمارستان‌های بزرگ یک مدرسه‌ی مذهبی به نام مدرسه‌ی دارالشفا، یک مسجد و یک قبرستان یافت می‌شد. در این بیمارستان‌ها علاوه بر بخش‌های عمومی و تخصصی در دو قسمت زنان و مردان، درمانگاه مربوط به بیماران سرپایی از قسمت‌های اساسی به‌شمار می‌رفت. بیمارستان‌های ایران و جهان اسلام در سده‌های سوم تا ششم هجری (قرون وسطی در اروپا) از جنبه‌ی کمی و کیفی بر بیمارستان‌های اروپا

سپس فرصتی را برای یک آغاز جدید فراهم کرد. تا این زمان، بیمار به دلیل بیماری خود از جامعه جدا می‌شد. اما سنت مسیحی بر روابط نزدیک بیمار با آشنایانش، که وظیفه‌ی مراقبت بر دوش آن‌ها بود، تأکید داشت. در این زمان، بیمارستان‌ها به‌عنوان واحد قرنطینه برای افرادی که دچار جذام یا ساختمان‌هایی برای اسکان فقرا، کهنسالان و بیماران به‌کار می‌رفتند یا درمانگاه‌های کوچکی داشتند. در این بیمارستان‌ها، توجه بیشتری به خوب بودن وضعیت روحی بیمار می‌شد تا به درمان جسم او. شیوه‌ای که راهبان از بیماران خود مراقبت می‌کردند، الگویی برای عموم گشت و در نتیجه مذهب در طول قرون وسطی هم‌چنان با نفوذترین عامل اصلی در تأسیس بیمارستان‌ها بود.

در تمام دوره‌ی قرون وسطی، تعداد بیمارستان‌ها به سرعت در اروپا رشد کرد. بعضی از بیمارستان‌ها در اروپای قرون وسطی چند عملکردی بودند، در حالی که برخی دیگر برای اهداف خاصی تأسیس شده بودند، مانند بیمارستان‌های جذامیان و یا پناهگاه‌هایی برای فقرا و زائران کلیساها. جوانب دیگر بیمارستان‌ها مانند معماری قابل توجه، به اجرا گذاردن شیوه‌های مختلف درمان، وجود داروخانه، مستراح‌های عمومی و هم‌چنین استفاده از فناوری‌های موجود در آن دوران مثل ارتباطات الکتریکی از ویژگی‌های بیمارستان آن دوران به‌شمار می‌رفتند.

قرون وسطی هم‌چنین شاهد شروع حمایت از نهادهای شبه بیمارستان توسط مقامات سکولار بود. در قرن پانزدهم میلادی در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک اروپا از نوعی مراقبت سلامت بنگاهی حمایت شد. انتقال تدریجی مسؤولیت از کلیسا به مراجع شهری در اروپا، در چارچوب مراقبت سلامت بنگاهی و پس از انحلال صومعه‌ها توسط هنری هشتم در سال ۱۵۴۰ میلادی، ادامه یافت که به مدت ۲۰۰ سال نقطه‌ی پایانی برای ساخت بیمارستان‌های رهبانی در انگلستان بود. فقدان بیمارستان‌های رهبانی در انگلستان، مراجع سکولار را بر آن داشت که به وضعیت بیماران،

برتری کامل داشتند. در اروپا اگر بیمارستانی وجود داشت همواره وابسته به کلیسا بود، در حالی که در مشرق‌زمین بیمارستان‌ها جنبه‌ی دولتی و عام داشته و امور مذهبی نیز در آن‌جا رعایت می‌شد. آموزش سرپایی و درمانگاهی در بیمارستان‌های جهان اسلام یک قانون بود، ولی این امر در اروپا چند قرن بعد انجام گرفت. با گذشت زمان، بیمارستان‌های مشرق‌زمین از جمله ایران دچار انحطاط تدریجی شدند، از اهمیت افتادند، اوقاف آن‌ها را به تاراج بردند و در نتیجه، تنها تکیه‌گاهشان نیکوکاری مردم بود (۴۹ - ۴۶، ۲۱، ۱۷، ۷).

در دوران صفویه تا اواسط حکومت قاجاریه، یعنی از اوایل قرن دهم تا اواسط قرن سیزدهم هجری قمری در ایران به احداث، مرمت و نگهداری بیمارستان‌ها توجه نشد و بیمارستان معروف و بزرگی در این دوران تأسیس نگردید. وضع بیمارستان‌های ایران بعد از مرگ شاه‌عباس اول^۱ نا به سامان‌تر از ایام پیشین گردید و به همین دلیل درمان بیماران در منزل بیمار یا منزل طبیب انجام می‌شد. «تاورنیه» فرانسوی که بین سال‌های ۱۶۶۸-۱۶۳۲ میلادی / ۱۰۷۹-۱۰۴۹ هـ ق در دوران شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی چندین بار به ایران سفر کرده بود، از وضع بد بیمارستان‌های ایران در آن روزگاران حکایت کرده است (۵۰).

«شاردن» که در سال‌های ۱۰۸۸-۱۰۷۵ هـ ق در مجموع، ده سال در ایران اقامت داشت، می‌گوید تنها در هر یک از شهرهای بزرگ ایران یک بیمارستان وجود دارد که در آن‌جا به بیماران و دیوانگان رسیدگی نمی‌شود و مردم از بیمارستان ترس دارند و آن‌جا را خانه‌ی اموات گویند (۵۱).

در مغرب‌زمین

با نگاهی کلی به جایگاه بیمارستان‌ها در اروپا و آمریکا می‌توان گفت که مفهوم مدرن بیمارستان به سال ۳۳۱ میلادی باز می‌گردد که کنستانتین امپراتور روم، با گرویدن به آیین مسیح، تمام بیمارستان‌های غیرمسیحی را منسوخ نمود و

^۱ ۱۰۳۸ هـ ق

معماری ساخته می‌شدند، ابتدا محدود به سه طبقه بود، اما بعدها تعداد طبقات اضافه شد و تبدیل به بیمارستان‌های آسمانخراش شدند (۵۵-۵۲).

با کشف دنیای جدید در آمریکای شمالی، ملیت‌های مختلفی مانند فرانسوی‌ها، اسپانیایی‌ها و انگلیسی‌ها راهی این دیار شدند. اما هیچ‌کدام از این جوامع از یک نظام پایدار بیمارستانی برخوردار نبودند. در آن زمان مؤسسه‌ای برای مراقبت و درمان بیماران به صورت موقتی سازماندهی شدند. اولین بیمارستان‌های ایالات متحده‌ی آمریکا مربوط به اوایل قرن هیجدهم میلادی می‌شوند که به شکل عجولانه برای مقابله با بیماری‌های واگیردار در شهرهای بندری بنا شدند و نوانخانه نامیده می‌شدند. بیمارستان پنسیلوانیا در ایالت فیلادلفیا که در سال ۱۷۵۱ میلادی تأسیس شد به‌عنوان قدیمی‌ترین بیمارستان خیریه در کشور آمریکا، خدمت به بیماران فقیر را به‌عهده داشت. این در حالی بود که ثروتمندان ساکن این شهر مراقبت‌های درمانی را در منازل خود دریافت می‌کردند. بیمارستان کاتولیک (دپال) در سنت لوئیس و درمانگاه «سنت جوزف» در ایالت کنتاکی نیز همگی به‌عنوان پناهگاه یتیمان و قربانیان طاعون آغاز به‌کار کردند. از آن‌جا که میزان مرگ و میر در این بیمارستان‌ها تا حدودی به علت اپیدمی‌های شدید به‌طور سرسام‌آوری بالا بود، مردم این مراکز را به‌عنوان آخرین چاره، مد نظر قرار می‌دادند. توسعه و رشد سریع شهرها، انگیزه‌ی زیادی را برای توسعه‌ی بیمارستان در آمریکا ایجاد نمود. نیاز به تسهیلات آموزشی و پژوهشی منجر به تأسیس بیمارستان‌های آموزشی گردید. کشف ماده‌ی «اتر» جهت بیهوشی، در بین سال‌های ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۶ میلادی، و توسعه‌ی اعمال جراحی، باعث شد تا بیمارستان‌ها مورد توجه بیش‌تری قرارگیرند. با کشف آنتی‌بیوتیک‌ها و کاهش میزان مرگ و میر ناشی از عفونت‌ها، بیمارستان‌ها وجهه بهتری پیدا کردند. فقرای بیمار، همان‌گونه که در تأسیس بیمارستان‌ها نقش داشتند، موجب به‌وجود آمدن مراقبت‌های اورژانس و سرپایی بیمارستانی نیز شدند (۳۲).

مجروحان، و معلولین بیندیشند و بر این اساس، جنبش بیمارستان‌های داوطلبانه را پی‌ریزی کنند.

در قرون وسطی، به‌خصوص در قرن پانزدهم میلادی، طراحی و معماری بیمارستان‌ها دچار تحول شد. پیدایش یک سالن باز صلیبی‌شکل که کلیسا در تقاطع صلیب قرار داشت و چهار سالن در زوایای مختلف آن که بیماران می‌توانستند مراسم عشاء ربانی را از آن‌جا به ببینند و بشنوند از نمونه‌های این تحول به‌شمار می‌رفت. همچنین، طراحی اتاق‌های یک نفره برای بیماران روانی، جذامیان و مبتلا به طاعون و اسکان سالمندان (شبهه خانه سالمندان فعلی) در این بیمارستان‌ها در نظر گرفته می‌شد. اگرچه در آن زمان مؤسسه‌ای جهت بستری طولانی مدت سالمندان، معلولین و بیماران مزمن با حداقل مراقبت‌های پزشکی و پرستاری برای بیماران تهیدست نیز وجود داشته است.

بین سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۹۴۰ در بیمارستان‌های مسلولین، استراحت، آرامش، رژیم‌های خاص و هوای آزاد را برای بیماران فراهم می‌کردند و مدت زمان بستری بیماران در این بیمارستان‌ها حداکثر تا دو سال به‌طول می‌انجامید. اما از اواخر قرن هیجدهم، طراحی و معماری‌های ایجاد شده در بیمارستان‌ها، مانند «هتل دیو» پاریس دچار مشکل شد. در سالن‌های باز و بزرگ بیمارستان‌های آن زمان که صد تخت یا بیش‌تر وجود داشت و سالن‌ها به یکدیگر مرتبط بودند، در زمان وقوع بیماری‌های واگیردار و در اثر هوای آلوده، دیگر بیماران نیز مبتلا می‌شدند. به همین جهت، قبل از انقلاب فرانسه، معماری جدیدی برای این بیمارستان طراحی شد. معماران، واحدهای ساختمانی طبقه‌ای را در نظر گرفتند که از یکدیگر جدا بوده تا هوای آلوده‌ی طبقات و اتاق‌ها با یکدیگر مخلوط نشود.

معماری «عمارت کلاه فرنگی» برای اولین بار در سال ۱۸۵۴ میلادی در بیمارستان «لاریویسییر» پاریس ظاهر گشت و به‌عنوان یک الگو تا یک قرن در سرتاسر جهان در طراحی بیمارستان‌ها به‌مورد اجرا درآمد. بیمارستان‌هایی که با این نوع

بحث و نتیجه‌گیری

در ایران قدیم وضعیت طب بسیار پیشرفته‌تر از نقاط دیگر بود. حتی به جرأت می‌توان پا را فراتر نهاده و گفت که ایرانیان اصول آن چیزی را که طب یونانی نامیده شده به یونانیان تعلیم داده‌اند. حتی خود یونانی‌ها هم فرضیه‌ی طبایع چهارگانه خود را فرضیه‌ای بیگانه می‌شناختند و به رسم آن زمان آن را ایرانی می‌نامیدند. در قرن چهارم میلادی مردم و اطباء کم‌کم روش منطقی بنا نهاده شده توسط بقراط و جالینوس را در یونان باستان رها کردند و برای درمان بیماری‌ها به معالجه با جادو، دفع اجنه و طلسم متوسل شدند. به طوری که تا سال‌های متمادی روش بقراط و جالینوس به فراموشی نهاده شده بود. تا این که در جریان جنگ‌های ایران و یونان آثار طبی بقراط و دیگر اطباء یونانی به دست ایرانیان افتاد. با تأسیس مدرسه‌ی جندی شاپور و ترجمه‌ی آثار مهم نویسندگان یونانی، به کمک دانشمندان ایرانی، طب به فراموشی نهاده شده‌ی یونان، دوباره مسیر کمال خود را در ایران زمین بازیافت.

در حالی که در اغلب نقاط اروپا، بیمارستانی وجود نداشت و شیوه‌ی درمانی اطباء به جادو، طلسم و ... ختم می‌شد، در قلمرو حکومت اسلام بیمارستان‌هایی وجود داشت که دارای بخش‌ها و تخصص‌های مختلف بود. گفته می‌شود بعضی از این بیمارستان‌ها لوله کشی‌های آب گرم برای گرم نگهداشتن اتاق بیماران، کتابخانه، سالن تدریس و داروخانه به طور مجزا داشتند. علاوه بر این، نظام تأسیس بیمارستان‌ها بسیار پیشرفته بود، به گونه‌ای که می‌توان آن را از نظام کنونی تأسیس بیمارستان برتر دانست. زیرا اولاً بیمارستانی تأسیس نمی‌شد، مگر آن‌که مخارج بیماران و بیمارستان و دستمزد اطباء از محل وقف‌های مردم و امور خیریه تأمین می‌شده است، نه از جیب بیماران. ثانیاً برای ساخت بیمارستان هم اصولی وجود داشته است (۴۲، ۱۵).

از جمله مزایای بیمارستان‌ها در دوران اسلامی و ایران قبل و پس از اسلام عبارتند از:

- همه چیز برای عموم بیماران رایگان بود و بدون انواع تحمیلات و خرج‌تراشی‌های کمرشکن از هر طبقه به نحو احسن پذیرایی به عمل می‌آمد؛
- پس از مرخص شدن بیمار از بیمارستان، کمک‌های نقدی به او پرداخت می‌شد تا دوره‌ی نقاهت را بدون زحمت کار بگذرانند؛
- اولین بیمارستان‌های عمومی و روانی توسط پزشکان مسلمان با استفاده از متدولوژی علمی درمان بیماران روانی توسط روحانیون، تأسیس شد؛
- اولین بیمارستان آموزشی و حضور دانشجویان پزشکی بر بالین بیماران در این دوران به وجود آمد؛
- رعایت حقوق بیمار از نظر اقلیت‌های مذهبی به عمل می‌آمد؛
- درمانگاه‌های سرپایی و ایجاد آموزش سرپایی و درمانگاهی در بیمارستان‌ها وجود داشت؛
- هریک از بخش‌های مردانه و زنانه، پرستاران و خدمه‌اش، از جنس خود بیماران بودند و این موضوع خود در وضع روحی بیماران و امکان بیش‌تر بازگو کردن نیازمندی‌های خویش به پرستاران، تأثیر بسزایی می‌بخشید و بیماران در برخورد با پرستاران احساس آزادی بیش‌تری می‌کردند؛
- بیمارستان‌ها دارای نقش فرهنگی در جامعه بودند، یعنی ایجاد مسجد و کتابخانه برای نماز و مطالعه‌ی بیماران، که هر یک از این دو به تنهایی می‌توانست نقش مؤثری در شفای بیماران یا تخفیف بیماری و رفع عقده‌های روحی هر یک از آن‌ها داشته باشد؛
- بیماران و همراهان آن‌ها به بازیافت سلامت خود، احساس آرامش و اطمینان داشتند؛
- بیمارستان‌های سیار (صحرائی) برای نخستین بار در جهان در این دوران ساخته شد؛
- بودجه و کلیه‌ی مخارج بیمارستان از محل موقوفات متعدد و پردرآمدی که هم‌زمان با ساختن بیمارستان‌ها، پیش

جامعه‌ی کوچکی است که توسط جامعه‌ی گسترده‌تر احاطه شده است. جامعه‌شناسی بیمارستان، روابط اجتماعی این سازمان و بیرون از آن را مورد بررسی قرار می‌دهد، زیرا تداوم حیات هر سازمان تابع جامعه و منابعی است که از محیط خود می‌گیرد. جامعه و نهادهای تابعه‌ی آن، مانند بیمارستان، دارای پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگ و ارزش‌های خاص خود هستند که این ارزش‌ها آنان را از سایر جوامع متمایز می‌سازد.

به‌طور حتم، تاریخ بیمارستان‌ها، ارتباط بسیار نزدیکی با تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه دارد و هم‌چنین بخش جداناپذیری از تاریخ یک دوران است.

مستندات و آثار ثبت شده‌ی روند کار و فعالیت بیمارستان‌ها را در هر مقطع تاریخی باید در نوشته‌ها و تصاویر به‌جای مانده جست‌وجو کرد. برای تفسیر و تحلیل صحیح فعالیت بیمارستان‌ها باید به این نکته توجه داشت که چگونه نویسندگان و هنرمندان در هر عصر و دوره، علاوه بر درون بیمارستان، چیزهای دیگری را نیز بیرون از بیمارستان مشاهده می‌کنند. در هر صورت، خدمات بیمارستان‌ها با داشتن منابع و تجهیزات مناسب و متمرکز و کارکنان ماهر و متخصص برای حل مشکلات جدی نظام سلامت هر جامعه بر کسی پوشیده نیست، اما به‌واسطه‌ی ساختار نامناسب نظام سلامت و رویکردهای نادرست به مراقبت‌های پزشکی، این نوع خدمات در این مقطع تاریخی مورد انتقاد صاحب‌نظران و منتقدین قرار گرفته است (۵۶).

بینی می‌شد تأمین می‌گردید و در نتیجه از این رهگذر نه بر اداره و دارایی حکومت تحمیل می‌شد و نه از بیماران به این عنوان چیزی مطالبه می‌گردید؛

- مسلمانان به‌ویژه ایرانیان در اداره‌ی بیمارستان‌ها پیشرو ملت‌های متمدن بوده و شناخت بیمارستان در عالم اسلام و جهان توسعه یافته از طریق ایران صورت گرفته است؛

- برتری کمی و کیفی بر بیمارستان‌های مغرب‌زمین در سده‌های سوم تا ششم هجری هم‌زمان با قرون وسطی در اروپا وجود داشت (۴۹، ۴۸، ۳۱، ۱۶، ۷).

این همه در حالی است که انتقادات زیر به بیمارستان‌های مدرن کنونی در جهان مترتب است:

- ماهیت صنعتی شده‌ی مراقبت، مانع از مراقبت مؤثرتر می‌گردد، چرا که پزشکان و پرستاران به‌طور معمول با بیمار ارتباط صمیمی ندارند. معماری و چیدمان بیمارستان‌های مدرن اغلب به‌عنوان عامل مؤثری در برانگیختن احساس برخورد‌های ناآشنا تلقی می‌شود که بسیاری از آن گله می‌کنند. - بیمارستان‌ها مکان‌های خطرناکی برای بیماران هستند. از آن‌جا که بعضی بیماران دارای سیستم ایمنی ضعیف شده هستند، اغلب در معرض عفونت‌های بیمارستانی قرار دارند.

- جداسازی بیماران از محیط خانواده و قرار دادن آن‌ها در محیط ایزوله که برنامه‌های مراقبت در خانه در سال‌های اخیر برای پاسخگویی به این مشکل ارائه شده است (۳۱، ۳۰).

انتقاد از وضعیت بیمارستان‌های قرن حاضر در سال‌های اخیر بالا گرفته است که نمونه‌هایی از آن‌ها عبارتند از: صنعتی شدن مراقبت پزشکی، تولید داروهای بی‌مصرف و خطرناک، آموزش پزشکی تقلیدگونه از الگوهای غربی و تمرکز پژوهش‌های پزشکی بر بیمارهای غیر بومی و در نهایت سلطه‌ی فرهنگ غربی در نظام سلامت بومی که همگی در کشورهای جهان سوم اتفاق می‌افتد.

بیمارستان یک سازمان اجتماعی است که خود متأثر از عوامل محیطی متعددی است. در حقیقت، بیمارستان هم‌چون

منابع

- ۱- دهخدا ع. ا. لغت نامه. به کوشش معین م، شهیدی س ج. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۷۳-۱۳۷۲، جلد چهارم.
- 2- Anonymous. Hospital. <http://www.en.wikipedia.org> (accessed on 2009).
- ۳- محقق م. مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران. تهران: انتشارات سروش؛ ۱۳۷۴.
- ۴- عیسی بک ا. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام. ترجمه نوراله کسایی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۷۱.
- ۵- عطار نیشابوری ش ف. تذکره اولیاء، چاپ پنجم. تصحیح قزوینی م. تهران: انتشارات مرکزی؛ جلد اول.
- ۶- ابن القفلی ج ا. تاریخ الحكماء. ترجمه‌ی دارابی ب. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۵.
- ۷- ابن ابی اصیعه. عیون الانباء فی طبقات الاطباء. ترجمه غضبان س ج، نجم آبادی م. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۹، جلد ۱.
- ۸- بلاذری ای ج. فتوح البلدان. ترجمه‌ی توکل م. تهران: نشر نقره؛ ۱۳۷۶.
- ۹- سلیمان ح (ابن جلیل). طبقات الاطباء والحکماء. ترجمه‌ی امام س م ک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۹.
- ۱۰- مصاحب غ. دائره‌ی المعارف فارسی. تهران: انتشارات فرانکلین؛ ۱۳۴۵، جلد اول.
- ۱۱- ابن ابی اصیعه، القیس بن الطحان. عیون الانباء فی طبقات الاطباء. ۱۲۹۹ هـ ق، جلد دوم.
- ۱۲- علی بن الاثیرع. کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران. ترجمه‌ی حالت ا، خلیلی ع. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی؛ ۱۳۷۱.
- 13- Lyons AS, Petrucelli RJ. Medicine: An Illustrated History. New York: Abundatrade Publication; 1997.
- ۱۴- رنان کالین. تاریخ علم کمبریج. ترجمه‌ی افشار ح. تهران: نشر مرکز؛ ۱۳۶۶.
- ۱۵- الگود س. تاریخ پزشکی ایران. ترجمه‌ی جاویدان م. تهران: شرکت اقبال؛ ۱۳۵۲.
- ۱۶- دائره‌ی المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر بجنوردی ک. تهران: مرکز دائره‌ی المعارف بزرگ اسلامی؛ ۱۳۷۵-۱۳۶۷.
- ۱۷- شیرازی ع ف. تاریخ وصاف الحضر. به اهتمام شیرازی م م. بمبئی: چاپ سنگی؛ ۱۲۶۹ هـ ق.
- ۱۸- فسائی شیرازی ح م ح. فارسنامه‌ی ناصری. تهران: چاپ سنگی، ۱۳۱۲ هـ ق.
- ۱۹- صفا ذ. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۶۵، جلد دوم.
- ۲۰- صدیق ع. تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر. تهران: دهخدا؛ ۱۳۶۳، جلد هفتم.
- ۲۱- همدانی رف ا. سوانح الافکار رشیدی. به کوشش دانش پژوه م ت. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ ۱۳۸۵.
- ۲۲- تاج بخش ح. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران. تهران: انتشارات سازمان دامپزشکی کشور با همکاری انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۵، جلد اول.
- ۲۳- بن همام الدین حسینی (خواندامیر) غ. حبیب السیر، چاپ دوم. زیر نظر سیاقی م د. تهران: انتشارات ضیاء؛ ۱۳۵۳.
- ۲۴- دوگاردان ک ا. خاطرات ماموریت ژنرال گاردن در ایران. ترجمه‌ی اقبال آشتیانی ع. تهران: گزارش فرهنگ؛ ۱۳۶۲.
- ۲۵- اعتماد السلطنه م ص خ. تاریخ تنظیم ناصری، چاپ دوم. به کوشش رضوانی ا. تهران: انتشارات دنیای کتاب؛ ۱۳۶۳.
- ۲۶- خداوند شاه (میرخواند) م س م ب. روضه الصفاء. روضه الصفا‌ی ناصری (ملحقات روضه الصفا): رضا قلی خان هدایت. تهران: انتشارات مرکزی؛ ۱۳۸۸ - ۱۳۳۹.
- ۲۷- وزیر احمد علی خان. تاریخ فقه و فقها. به کوشش باستانی پاریزی ا. تهران: انتشارات علمی؛ ۱۳۶۴.
- 28- Siriweera WL. Ayuverda Hospitals in ancient Sri Lanka. <http://sinhalanet>.

- الازار، مزارت شیراز). ترجمه ی عیسی بن جنید شیرازی. تصحیح وصال ن. شیراز: کتابخانه احمدی؛ ۱۳۶۴.
- ۴۵- همدانی رف ا. مشتهربه رشید الطیب. وقف نامه ربع رشیدی (به خط مولف). زیر نظر مینوی م. تهران: انجمن آثار ملی؛ ۱۳۵۰.
- 46- Poulet J, Sournia J. *Historie de la Medicine, de pharmacie, de art Dentaire de art veterinaire. T. 2*, editions medicales, Laffont; 1997.
- ۴۷- همدانی. رف ا. جامع التواریخ، چاپ دوم. به کوشش کریمی ب. تهران: انتشارات اقبال؛ جلد دوم.
- ۴۸- صنیع الدوله (اعتماد لسلطنه) م ح. مطلع الشمس (تاریخ و جغرافیای بلاد و اماکن اسلامی). تهران: ۱۳۰۳-۱۳۰۱ ه.ق.
- ۴۹- براون ا. تاریخ طب اسلامی، چاپ چهارم. ترجمه رجب نیا م. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۶۴.
- ۵۰- تاورنیه ژ ب. سفرنامه تاورنیه. ترجمه ارباب شیررانی ح. تهران: انتشارات نیلوفر؛ ۱۳۸۲.
- ۵۱- سیاحت نامه شاردن. ترجمه ی عباسی م. تهران: امیر کبیر؛ ۱۳۴۵-۱۳۳۵.
- 52- Muller-Dietz HE. *Historia Hospitalium: Encyclopedia of Medical History*. Mcmillan; 1975.
- 53- Piercy WD, Scarborough H. Hospital. In *Encyclopedia Brithannica*. www.britannica.com (Accessed on 2009).
- 54- Bowerman J. Designing the primary health care center of the future: a community experience. *Int J ealth Care Qual Assur Inc Leadership in Health Serv* 2006; 19(6-7): xvi-xxiii.
- 55- Rosenberg CE. Inward vision & outward glance: the shaping of the American hospital, 1880-1914. *Bull Hist Med* 1979; 53(3): 346-91.
- 56- Anonymous. Historic hospitals in Europe. *Rev Soc Fr Hist Hop* 2002; 106: 9-14.
- com/ayurveda. html (accessed on 2010)
- 29- Elgood CL. *A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate from the Earliest Times until the Year AD 1932*. Cambridge: Cambridge University Press; 1951.
- ۳۰- درگاهی ح. سازمان و مدیریت جامع بیمارستان. تهران: انتشارات امید؛ ۱۳۷۸.
- ۳۱- آصف زاده س. مدیریت و تحقیقات بیمارستانی. قزوین: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی قزوین؛ ۱۳۸۲.
- ۳۲- گریفین دان. بیمارستان چه نوع سازمانی است و چگونه کار می‌کند؟ ترجمه ی عرب م و همکاران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران؛ ۱۳۸۷.
- ۳۳- فلسفی ن ا. زندگی شاه عباس اول، چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۳.
- ۳۴- مکی ح. تاریخ بیست ساله تهران، چاپ دوم. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۶۶-۱۳۵۸، جلد دوم.
- 35- Micheau F. *The Scientific Institutions in the Medieval Near East*. Morelon & Rashed Pub; 1996.
- 36- Barrett p. *Sciences and Theology Since Copernicus: The Search for Understanding*. Continuum International Publishing Group; 2004.
- 37- Syed IB. Islamic medicine: 1000 years ahead of its times. *JISHIM* 2002; 2: 2-9.
- 38- Glubb JB. *A Short History of the Arab Peoples*. USA: Stien & Day Pub; 1988.
- 39- Woodcock S. *Muslim Heritage in Our World*. FSTC Publishing; 2007.
- 40- Sayili A. *Turkish contributions to scientific work in Islam*. Foundation for Sciences. Technology and Civilisation; 2004.
- 41- Platt N, Drummond Mj. *Our World Through the Ages*. New York: Prentice-Hall Inc; 1969.
- ۴۲- نجم آبادی م. تاریخ طب در ایران پس از اسلام، چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۶۶.
- ۴۳- محمد بن اسحاق الندیم (ابن ندیم). الفهرست. ترجمه‌ی تجدد م ر. تهران: بانک بازرگانی؛ ۱۳۴۶، جلد دوم.
- ۴۴- جنید بن محمود شیرازی م ا. هزار هزار (ترجمه شد